

روابط همسایگی در سبک زندگی اسلامی

سیفاله قنبری نیک*

چکیده

اسلام تنها دین و آیینی است که به درستی بنای دعوت خود را بر اجتماع استوار کرده و به لحاظ مدنی الطبع بودن انسان، امر اجتماع را در هیچ یک از شئون رها نکرده است. زندگی اجتماعی انسان در اشکال گوناگون تبلور می‌یابد. بی تردید، پس از خانواده که اساسی‌ترین واحد اجتماعی به‌شمار می‌رود، همسایگان که در قالب یک محله شکل می‌گیرند، مهم‌ترین تشکیلات جامعه انسانی‌اند که در کنار انسجام و وحدتی که دارند، تعاملات و معاشرت‌های اجتماعی تاثیرگذاری با هم دارند که زمینه‌ساز شکل‌گیری یک الگوی فرهنگی و زیستی متناسب با هویت جمعی خوداند. بحث همسایه و همسایگی، همواره از مباحث مهم مورد توجه ادیان، اندیشمندان اجتماعی و علمای علم اخلاق بوده است، تا آنجا که در الگوی اسلامی، روابط و حقوق همسایگی، پس از پرستش خداوند و نیکی به والدین، مورد تاکید قرار گرفته و حتی برای کافران حق همسایگی برشمرده شده است. در نوشتار حاضر با عنایت به مباحث امروزی در باب الگوهای زندگی اجتماعی، نخست، به اجمال، سبک زندگی مورد بحث قرار گرفته و سپس با بهره‌گیری از روش اسنادی، تلاش شده تا آموزه‌های دینی متناسب با موضوع، بررسی شود و با استخراج مفاهیم و محورهای شاخص در باب روابط و حقوق همسایگی، گامی در راستای ترسیم الگوی روابط همسایگی - بر اساس دیدگاه اسلام - برداشته شود.

کلیدواژه‌ها

اسلام، زندگی اجتماعی، سبک زندگی، سبک زندگی اسلامی، روابط همسایگی

* محقق، دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم (ع) و عضو انجمن مطالعات اجتماعی حوزه
s.qanbari@yahoo.com

مقدمه

بشر در طول تاریخ همواره برای دست‌یابی به نیازهای گوناگون خود به شکل جمعی، زیست کرده و از آنجا که سرشتی اجتماعی دارد که بالطبع محتاج اجتماع بوده (فارابی، ۱۳۷۶: ۱۱۴)، به تدریج با ایجاد سکونت‌گاه‌های کوچک و سپس شهرها، به دنبال پاسخ دادن به این نیازهای طبیعی بوده است. در باب این که چه عاملی آدمی را به زندگی اجتماعی سوق داده و می‌دهد، برخی از جامعه‌شناسان شرایط زیستی، اقلیمی و محیطی را مهم‌ترین عامل شکل‌گیری جوامع انسانی ذکر کرده و برخی نیز عوامل درونی انسان‌ها یعنی گرایش‌های عاطفی و روحی و نیز جنبه‌های عقلانی را موثر دانسته‌اند. اگرچه در منطق اسلام، مهم‌ترین عامل پیدایش و تداوم اجتماع بشری، وحدتی فرامادی دانسته شده که سبب انس و الفت بین اعضای جامعه شده است «فألف بین قلوبکم فاصحتم بنعمته إخواناً» (سوره آل عمران: ۱۰۳) و عوامل دیگر تحت الشعاع آن قرار می‌گیرند (برزگر کلیمشی، ۱۳۷۲). اما مجموعه این عوامل هر یک به سهم خود نقش ویژه‌ای داشته‌اند. شکل‌گیری زندگی اجتماعی متناسب با شرایط محیطی امری معقول بوده و مسائل عاطفی و تمایلات درونی انسان‌ها نیز در ثبات و پایداری این شیوه زیست جمعی نقش آفرین‌اند و از همین رو، بشر، آن را بر زندگی فردی ترجیح داده است.

اجتماعی بودن انسان، چه منشاء درونی و طبیعی داشته باشد (ارسطو، ۱۳۸۷: ۵؛ فارابی، ۱۳۷۶: ۱۱۴؛ مطهری، ۱۳۷۲: ۲۱-۲۴) و چه خاستگاه بیرونی (ابن سینا، ۱۴۰۴: ۴۴۱) و یا آمیزه‌ای از هر دو (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۳۲۱-۳۲۴)، بازتاب و کارکردهایی در زندگی انسان دارد که تمامی ابعاد زندگی و حتی شخصیت و هویت او را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نیز سعادت و شقاوت فرد را تعیین می‌کند. این تأثیرپذیری بدان علت است که جامعه و زندگی اجتماعی، اقتضائات و لوازمی دارد که انسان با ورود و عضویت در آن، به‌طور طبیعی در قالب نظم‌های انسجام‌یافته و مرسوم آن قرار می‌گیرد و از همین رو، وادار به انجام اعمال و رفتارهایی می‌شود که در نهایت، در هویت، سعادت و شقاوت او تأثیرگذار خواهند بود.

اسلام، اصل همزیستی اجتماعی را مورد توجه قرار داده و در آیات شریفه قرآن کریم انسان‌ها را به اتحاد و تشکل و انسجام فراخوانده است (سوره آل عمران: ۱۰۵؛ سوره انعام: ۱۵۲). از منظر آموزه‌های دینی، ترکیب وجودی انسان و تنوع نیازهایش به گونه‌ای است که نمی‌تواند تنها زندگی کند و ناگزیر از قرار گرفتن در جمع و پیوند داشتن و همیاری فکری و عملی با دیگران است. دانشمندان مسلمان نیز با الهام از دستورات دینی، بر زندگی اجتماعی انسانی

تأکید کرده‌اند. از منظر فارابی:

هر فردی به طور فطری در رسیدن به کمالات برجسته خویش به اموری محتاج است که به تنهایی قادر به تامین آنها نخواهد بود و امکان ندارد کسی به کمال نایل آید، مگر به اجتماع گروه‌های متعاون (فارابی، ۱۳۷۶: ۶۹). علامه طباطبایی (ره) نیز معتقد است که از نظر اسلام، کمال و سعادت انسان، در زندگی فردی حاصل نمی‌آید؛ چون نیازهای او فراوانند و برای برآوردن آنها، باید کارهای زیادی انجام دهد. پس، عقل عملی به او حکم می‌کند تا از هر آن‌چه در دسترس دارد، بهره‌جوید؛ و موجودات دیگر و حتی ممنوعان را به خدمت بگیرد. بنابراین، ناگزیرند نوعی زندگی اجتماعی مبتنی بر همیاری داشته باشند؛ بدین شکل که همه برای هم کار کنند و همان‌گونه که از خدمات دیگران، بهره‌مند می‌شوند، به آنان بهره برسانند (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۱۸۹).

بی‌شک، همسایگی یکی از بارزترین گونه‌های زیست اجتماعی و از مصادیق این آموزه‌های دینی و عقلانی است که در آن، همزیستی بر پایه مولفه‌هایی از قبیل همیاری، تعاون و رعایت حقوق یک‌دیگر استوار است و در الگوی سبک زندگی مؤمنانه در شاکله‌ای منسجم، ترسیم می‌شود. پرسش اساسی آن است که الگوی مطلوب اسلامی در این باب چه ویژگی‌هایی دارد که آن را متمایز از دیگر الگوها می‌نماید. برای رسیدن به پاسخ، ابتدا نیازمند مباحث زمینه‌ای است که در ادامه بدان‌ها اشاره می‌شود.

سبک زندگی در روابط همسایگی

سبک زندگی بر اساس برخی تعاریف، از مقولات قضاوت فرهنگی و جامعه‌شناختی قلمداد می‌شود که تعلق فرد به یک فرهنگ یا خُرده فرهنگ را نشان می‌دهد و تبلور وابستگی و تعلق فرد به یک محیط اجتماعی است و در واقع، ابزاری برای تمایز نهادن میان خود و دیگران است (راسخ، ۱۳۹۱: ۶۷۴). مفهوم سبک زندگی در تعبیر برخی جامعه‌شناسان مانند وبر بر شباهت الگوهای مصرف استوار است که البته، شامل کردارهای اجتماعی و فرهنگی متفاوت و بیان‌کننده تفاوت‌های میان گروه‌های اجتماعی نیز هست (فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۸). وبر^۱، ویژگی

1. Max Weber

اصلی سبک زندگی را انتخابی بودن می‌داند. البته، این انتخاب با محدودیت‌هایی همراه است؛ بدین معنا که مجموعه عوامل ذهنی، هنجاری، حقوقی و مذهبی، محدودیت‌هایی را در انتخاب سبک زندگی به وجود می‌آورند (همان: ۲۹).

از دستاوردهای این نظریه، تاکید بر کارکرد سبک زندگی در جهت انسجام بخشیدن به گروه‌های اجتماعی است. در این دیدگاه، افرادی که سبک زندگی مشابهی دارند، همچون ساکنان یک محله، نوعی انسجام گروهی را که برآمده از شباهت در رفتار و الگوی مصرف است، تجربه می‌کنند؛ این انسجام گروهی می‌تواند به سرمایه اجتماعی تبدیل شود. مشابهت در الگوهای رفتاری و مصرف که غالباً با گردآمدن در اماکن خاص و حتی تشابه الگوهای ارزشی و ذهنی نیز همراه است، می‌تواند آغازین گام‌های شکل‌گیری سرمایه اجتماعی باشد. وجه دیگر انسجام اجتماعی ناشی از سبک زندگی مشابه، ناظر بر تبدیل شدن سبک‌های زندگی به خُرده فرهنگ است. آموزه‌های دینی، ظرفیت‌های بالایی برای تولید این خُرده فرهنگ‌ها دارند که چنین آنها کنار هم سرمایه اجتماعی کلانی را در جهت هم‌مدلی و همبستگی اجتماعی به وجود می‌آورد؛ بنابراین، سبک زندگی اسلامی می‌تواند انسجام اجتماعی و هویت مشترک هر خُرده فرهنگ را پدید آورد و با نظم و انسجام بخشیدن به آن به وفاق اجتماعی کلی مدد رساند.

از منظر «زیمل»^۱ سبک زندگی، تجسم تلاش انسان برای یافتن ارزش‌های بنیادی خود در فرهنگ عینی و شناساندن آن به دیگران است. «وبلن»^۲ نیز سبک زندگی را الگوهای رفتار جمعی می‌داند که از جنس رسوم و عادات اجتماعی و روش‌های فکری‌اند (کاوینانی، ۱۳۹۱: ۳۴)؛ «بورديو»^۳ نیز سبک زندگی را فعالیت‌های نظام‌مندی می‌داند که از ذوق و سلیقه فرد سرچشمه گرفته و بیشتر جنبه عینی و خارجی دارند و در عین حال، به صورت نمادین به فرد هویت بخشیده و سبب تمایز اقشار مختلف اجتماعی می‌شوند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۸). با ملاحظه عناصر و مولفه‌های مهمی که در تعاریف و نظریه‌های پیش گفته از سبک زندگی ارائه شد، روابط همسایگی که جایگاه مهمی در همبستگی‌های افراد جامعه دارد، اهمیت خود را در این موضوع نشان خواهد داد؛ چرا که در برگیرنده ابعاد مادی و معنوی و حوزه‌های رفتاری

1. Georg Simmel

2. Thorsteinbunde Veblen

3. Pierre Bourdieu

مختلف است که الگویی همگرا و کلیتی انتزاعی از رفتارها را حول محور گرایش‌ها ترسیم می‌سازد (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۷: ۷۳-۷۴).

در مجموع، در تحلیل تاثیر دین بر سبک زندگی می‌توان گفت که اولاً دین تلاش دارد در فرآیند اثربخشی خود بر سبک زندگی، در بالاترین سطح، آن را به سوی اهداف غایی دین جهت دهد که دست کم این تاثیر، تجلی وجوه یا بخش‌هایی از آموزه‌ها و نمادهای دینی به‌عنوان مولفه‌های سبک زندگی است و ثانیاً، غلبه گفتمان یا فرهنگ یک دین خاص، می‌تواند وحدت نسبی در سبک‌های زندگی یک جامعه ایجاد کند و در مقابل، تکرر آن، می‌تواند تکرر سبک‌های زندگی را سبب شود (کاوینانی، ۱۳۹۱: ۲۲۹). از همین رو، هر آیینی که بتواند مفاهیم خود را غنی‌تر و عمیق‌تر در جامعه و شیوه زیست جامعه‌نشینان اِشْراب کند، توانسته است قدرت استیلای ایدئولوژیک و جهان‌بینی خود را به اثبات رساند. با تحلیل بسامدی آیات و روایات، می‌توان این برتری را به‌خوبی مشاهده کرد. در ادامه، به تحلیل عینی‌تر این آموزه‌ها پرداخته می‌شود.

همسایگی از منظر قرآن و سنت

معادل لفظ همسایه، در زبان عربی «جار» و «جنب» است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۱۴) که جمع آن را «جیران» گفته‌اند. همسایه به کسی گویند که سایه خانه‌اش به سوی خانه مجاور تمایل دارد. همسایه هم دیوار، دو تن یا دو خانواده که در کنار هم خانه دارند یا در دو قسمت یک خانه زندگی می‌کنند (دمخدا، ۱۳۳۴، ج ۱۵: ۲۰۸۱۸).

در قرآن کریم، این لفظ برای پناه خواستن یا پناه دادن به فرد در مانده‌ای^۱ که با خطر روبه‌رو شده، به کار رفته است. خداوند متعال، قانون تعهد، پناهندگی و پناه‌دهی را با رحمت الهی خود میان بندگانش، عامل امن و پناهگاهی قرار داده است که در همسایگی آن با احساس امنیت به زندگی خویش ادامه دهند. امام علی (ع) کسی که دنیا را به‌عنوان پناهگاه خویش برگزیده، مذمت کرده است.^۲ (آمدی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۷۳۱).

سید عبدالله شبر ذیل تفسیر آیه ۳۶ سوره نساء^۳ درباره هر یک از مفاهیم «جار ذی القربی»

۱. «وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ» (سوره مومنون: ۸۸).

۲. «جَارُ الدُّنْيَا مَحْرُوبٌ وَمَوْفُورٌهَا» (غردالحکم، ج ۲: ۷۳۱).

۳. «...وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَ...» (سوره نسا: ۳۶).

و «جار الجنب» سه معنا ذکر می‌کند و می‌گوید؛ مراد از «ذی القربی» همسایه نزدیک یا خویشاوند یا هم‌عقیده است و مراد از «جنب» همسایه دور در فاصله، خویشاوند یا اعتقاد است (شبر، ۱۳۷۳: ۱۱۴). علامه طباطبایی (ره) معتقد است که از جمله «والجار ذی القربی و الجار الجنب» به قرینه مقابله و صف می‌توان فهمید که مراد از «جار ذی القربی» همسایه نزدیک است و مقصود از «جار الجنب» همسایه اجنبی است و جمله «والصاحب بالجنب» یعنی کسی که همیشه نزد آدمی باشد و چه در سفر و چه در حضر مصاحب او باشد (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۵۶۲). به عبارت دیگر، مراد کسی است که با شخصی انس و مصاحبتی دارد؛ چه در منزل یا محل کار یا در مجامع دیگر. بنابراین، به خانواده، ارحام و اقرباء، همنشین، همسایه، شریک باید احسان کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۶۰۲). علامه طبرسی ذیل این آیه می‌گوید که مراد از «الجار ذی القربی»، همسایگانی هستند که به سبب اسلام به انسان نزدیک هستند و مراد از «الجار الجنب»، همسایه‌ای است که مشرک است و در دین از انسان دور است (طبرسی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۲۷۰). دلیل ارائه چنین تفسیری را از دو واژه قرب و جنب، این است که مبنای خویشاوندی حقیقی در اسلام، عقیده است؛ زیرا خویشاوندی خونی و نسبی، هرچند مهم است، ولی یک ارزش نیست؛ آنچه ارزش است، خویشاوندی مبتنی بر عقیده است؛ زیرا هدف اسلام در یک مرحله ساخت امت و جامعه مبتنی بر اصول عقاید اسلام است که در یک جهت حرکت می‌کند و جامعه بر اساس اصول اسلامی به سمت خدایی شدن پیش می‌رود. این گونه است که قرآن کریم روابط میان مؤمنان را روابط برادری ایمانی می‌داند (سوره حجرات: ۱) بر این اساس، نزدیکی (قرب) و دوری (جنب) بر اساس عقیده لحاظ می‌شود و مؤمنان به عنوان «ذوالقربی» و کافران، به عنوان «جنب» و دور معرفی می‌شوند.

با اندکی تأمل در سیره نبی مکرم اسلام (ص) و معصومین (ع)، اهمیت بالای همسایه و همسایگی در نگاه ایشان بیش از پیش روشن می‌شود. پیامبر رحمتی که آزار همسایه را آزار خود می‌داند و از پیروان راستین خود می‌خواهد تا خانواده‌ها و همسایه‌ها در نهایت صلح و صفا و حسن سلوک و رعایت حال و حقوق، با خوش‌رویی و گذشت و ایثار و صبوری با هم زندگی کنند؛ چرا که جامعه سالم و صالح در گرو خانواده سالم، متعادل و متعالی و با همسایه‌هایی فهیم، خوش رفتار، متواضع، صبور و خیرطلب است.

رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «جبریل درباره همسایه آن قدر سفارش می‌کرد که پنداشتم، همسایه ارث خواهد برد» (باینده، ۱۳۸۵: ۴۶۲). حضرت علی (ع) نیز تاکید می‌کند که شیعیان ما کسانی هستند که به خاطر ولایت ما، نسبت به یک‌دیگر بذل و بخشش می‌نمایند... مایه

برکت همسایگان هستند و با معاشران خود، در صلح و صفا بسر می‌برند (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۳۲۳). همچنین آن حضرت چهار خصلت را برشمرده‌اند که اگر کسی آنها را مراعات نماید اهل بهشت است که یکی از آنها رفتار پسندیده با همسایگان است.

امام حسن مجتبی (ع) در ایام کودکی، شبی تا صبح صادق، مراقب عبادت مادرش حضرت زهرا (س) بود و می‌نگریست که آن بانوی گرامی پیوسته در حال رکوع و سجود است و به خوبی می‌شنید که مادرش دربارهٔ زنان و مردان دعای خیر می‌نماید و برای هر یک از آنان سعادت، رحمت و برکت آرزو می‌کند. بنابراین، صبح هنگام، خطاب به مادرش گفت: هر چه گوش کردم درباره دیگران دعای خیر نمودی، اما درباره خودت دعایی نکردی و حضرت فاطمه زهرا (س) فرمودند: «یا بنی؛ الجار ثم الدار؛ ای فرزندم اول همسایه و سپس خانه» (مجلسی، ۱۳۸۸، ج ۴۳: ۸۵) حضرت علی (ع) در خطبه قاصعه از تعصب‌های غلط، افتخارات بیهوده و مباهات به طایفه و قبیله به شدت انتقاد کرده و می‌فرماید: اگر کسی بخواهد واقعاً تعصب به خرج دهد، باید کردار پسندیده، خصال نیکو و خوبی انسان را ملاک مباهات و برتری قرار دهد و در فرازی از این خطبه ضمن تأکید بر صفات نیکو و اخلاق کریمه، برخی از ویژگی‌ها و فضیلت‌ها را برشمرده‌اند که یکی از نخستین ویژگی‌ها و خصال نیکو از دیدگاه ایشان، محترم‌شمردن حقوق همسایه و رعایت حال ایشان است (نهج البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه قاصعه). هم چنین یکی از صفات متقین که حضرت علی (ع) در خطبه همام بدان اشاره فرموده است، زیان نرسانیدن به همسایه است (همان، خطبه همام: ۱۹۳). امام علی (ع) در بستر شهادت نیز بازماندگان را این گونه وصیت فرمود: «از خدا پروا داشته و از پروردگارتان بترسید؛ از خدا بترسید درباره همسایگان‌تان که آنان سفارش شده پیامبرتان هستند» (مجلسی، ۱۳۸۸، ج ۷۱: ۱۵۳). امام زین العابدین (ع) نیز حقوق همسایگان را این گونه ترسیم فرموده‌اند:

اما حق همسایه‌ات حفظ اوست در نهان و بزرگداشت او در عیان و حمایت از وی در صورتی که ستمی به وی رسیده باشد و اگر احتمال تأثیر اندرز می‌دهی، او را موعظه نمایی. در هنگام بلاها و سختی‌ها او را رها نکنی و از خطا و خلاف او درگذری، گناهش را ببخشی و با کرامت و رعایت حیثیت وی، با همسایه‌ات معاشرت کنی... .

هم چنین در دعای چهل و چهارم صحیفه سجادیه، آن حضرت از پیشگاه خداوند می‌خواهد که به او توفیق دهد تا با همسایه‌اش با فضل و سخاوت رفتار کرده و در رفع نیازهای آن‌ها و

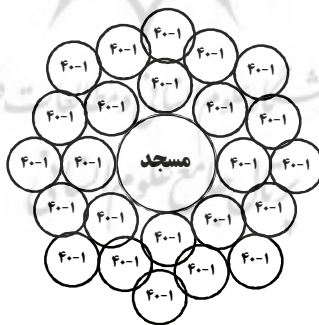
کمک به همسایگان مستمند بکوشد و در برابر آزارشان از در نیکی و خوش خویی درآید. از امام صادق (ع) نیز چنین روایت شده که فرموده‌اند: «آیین ائمه (ع) ورع، عفت... نیکو معاشرت کردن با همه و حسن همجواری است» (مجلسی، ۱۳۸۸، ج ۷۴: ۱۵۸). حضرت امام رضا (ع) نیز در حدیثی مسلمانان را چنین توصیه فرموده‌اند:

بر شما باد به تقوای الهی، پارسایی، کوشش در طاعت و بندگی، ادای امانت، راستگویی و حسن همجواری که این موارد اساس رسالت حضرت محمد مصطفی (ص) است (همان، ج ۷۸: ۳۴۱).

معیار همسایگی در اسلام

چهل خانه

رسول اکرم (ص) در باب حد همسایگی و مبنای آن در حدیثی مشهور فرموده‌اند که تا چهل خانه از روبه‌رو، پشت سر، طرف راست و سوی چپ، همسایه به حساب می‌آیند (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۶۶۹). بر این اساس، در روستاها و شهرهای کوچک، مجتمع‌های مسکونی و شهرک‌ها بسیاری از افراد با یک‌دیگر همسایه‌اند و لازم است، حقوق متقابل هم‌دیگر را محترم شمارند. تصویر کلی از معیار «چهل خانه» را می‌توان به شکل نمودار زیر نمایش داد.



شکل الگوی همسایگی در سبک زندگی اسلامی

چنان‌که ملاحظه می‌شود خانه «الف»، خانه مرکزی و محور سامان یافتن محله در نظر گرفته شده^۱ و خانه‌های شماره «۱»، اولین رده همسایگان و خانه‌های شماره‌های بعدی همسایگان

۱. در اسلام، محله بر محوریت مسجد شکل می‌گیرد.

دوم تا چهلم به حساب می‌آیند. شکل‌گیری محله‌ای که از هر سو به چهل خانه برسد، به نسبت خانه محوری است. حال اگر برای هر یک از خانه‌های اول، دوم، سوم تا خانه چهلم نیز، بر اساس همین معیار، شکلی ترسیم شود، ملاحظه خواهد شد که از منظر اسلامی و بنابر این معیار، همهٔ خانه‌های یک جامعه بزرگ، همسایه یک‌دیگر به‌شمار می‌آیند. و هر خانه مشمول اعداد گونه‌گون یک تا چهل به مقتضای تناسب همسایگی خود با دیگران خواهد شد. تعاضد این تصویر، احادیث شریفی است که در باب دوستان دوست^۱ در آموزه‌های اسلامی وارد شده است. بنابر این، در یک محله، هیچ خانه‌ای از دایره معیار همسایگی بیرون نیست.

اگر به سفارش مؤکد اسلام در این زمینه عمل شود، مردمی که تا مسافت‌های قابل توجهی با هم زندگی می‌کنند، بسیاری از دشواری‌های اجتماعی، اخلاقی، امنیتی و تربیتی را پشت سر نهاده و از زندگی آمیخته به مودت بهره‌مند می‌شوند. چنین پدیده‌ای در رشد عاطفی و بهبود ساختار اقتصادی اجتماعی مناطق مسکونی تأثیری قابل ملاحظه خواهد گذاشت. مجاورت خانه‌های مسکونی برای صاحبان آنها تعهد به وجود می‌آورد. از ویژگی‌های حق همسایگی این است که مزایای متقابل دارد، چنین نیست که همسایه‌ای حقوقی بر عهده دیگران داشته باشد، ولی خودش نسبت به مجاورین وظیفه‌ای و دینی بر گردن نداشته باشد. در واقع، هر کس که تصور می‌کند حقی به گردن دیگری دارد، باید متوجه این حقیقت باشد که او نیز به دیگران مدیون است. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «آیا مردی از شما شرم نمی‌کند که همسایه‌اش حق هم‌جواری را دربارهٔ او رعایت کند، ولی او این حقیقت را نشناسد» (کلینی، ۱۳۷۵، ج: ۱، ۲۱۴).

نوع و میزان حقوق

معیار دیگر همسایگی، طبقه‌بندی همسایه‌ها بر اساس نوع و میزان حقوق آنهاست. چنان‌که پیامبر اسلام (ص) همسایگان را به سه گروه تقسیم کرده‌اند. همسایه‌ای که یک حق دارد که حق او از دیگر همسایگان کمتر است و همسایه‌ای که دو حق دارد و همسایه‌ای که سه حق دارد. آن همسایه‌ای که یک حق دارد، همسایه‌ای غیرمسلمان است که خویشاوندی ندارد؛ او تنها حق همسایگی دارد. آن همسایه‌ای که دو حق دارد، همسایه مسلمان است که هم حق

۱. امام علی (ع) می‌فرماید: «دوستان شما عبارتند از دوست شما، دوست دوست شما و دشمن دشمن شما» (مجلسی، ۱۳۸۸، ج ۶۷: ۱۹۵).

اسلام و هم حق همسایگی دارد. آن همسایه‌ای که سه حق دارد، همسایه مسلمان است که خویشاوندی نیز دارد که حق اسلام و حق همسایگی و خویشاوندی دارد» (حمیری، ۱۳۷۱: ۸۱).

پیام این حدیث نبوی آن است که حق همسایگی منوط به هم‌کیشی، هم‌عقیده‌بودن و داشتن روابط خویشاوندی نیست، بلکه خود عنوان همسایه، عاملی برای پای‌بندی به حقوق همسایگی است. بر این اساس، حتی غیرمسلمانی که در همسایگی مسلمان زندگی می‌کند، از حق همسایگی برخوردار بوده و محترم‌شمردن این حق لازم است. ارتباط شایسته افراد یک محل که با هم همسایه‌اند و نیز خوش رفتاری آنان تا بدان حد مهم است که امام رضا (ع) این ویژگی را از جمله اهداف بعثت رسول اکرم (ص) برشمرده‌اند (انصاریان، بی‌تا: ۲۳).

نزدیک‌تر بودن

محور دیگر در معیار رفتارهای ما با همسایگان، رعایت حق همسایه‌ای است که خانه‌اش به انسان نزدیک‌تر است. پیامبر اکرم (ص) در گفتاری می‌فرماید: «وقتی دو نفر هم‌زمان تو را دعوت کردند، دعوت کسی را که خانه‌اش نزدیک‌تر است، بپذیر؛ زیرا آن که خانه‌اش نزدیک‌تر است در همسایگی مقدم است و اگر یکی زودتر دعوت کرده است، دعوت او را بپذیر» (پابنده، ۱۳۸۵: ح ۵۳۱).

انسان و حیات اجتماعی

انسان‌ها برای تأمین نیازهای خویش، جامعه و اجتماعات کوچک و بزرگ را شکل می‌دهند. این نیازها ابعاد گوناگونی دارند. به بسیاری از این نیازها، تنها در قالب زندگی جمعی، می‌توان پاسخ داد. از نیازهای روحی و روانی گرفته تا نیازهای جنسی، جسمی و جانی، از مادی گرفته تا معنوی همه در بستر جامعه به آنها پاسخ داده می‌شود. خانواده متشکل از زن و شوهر کوچک‌ترین واحد اجتماعی است، که برای پاسخ‌گویی به نیازهای گوناگون بشر شکل می‌گیرد؛ اما این جامعه کوچک به تنهایی نمی‌تواند پاسخ‌گویی همه نیازهای انسانی باشد و بنابراین، در یک سطح گسترده‌تر، محله شکل می‌گیرد. انسان‌ها نیازمند حمایت‌های اجتماعی از سوی همسایگان و اطرافیان خوداند.

نیاز به اجتماع و حضور در جمع، از کودکی پدیدار می‌شود، کودک در مراحل نخستین حیات خویش، توانایی ارتباط با دیگران را ندارد و به تدریج در پی احساس نیازهایی که برای او شکل می‌گیرد، روابط اجتماعی‌اش نیز گسترده‌تر می‌شود. نیاز به معاشرت با دیگران، تا اندازه‌ای، تحت تاثیر روابط اجتماعی و سنت‌های فرهنگی جوامع متفاوت است. هم‌چنین

شکل زندگی اجتماعی در نحوه بروز رفتار اجتماعی فرد موثر باشد (شاپوریان، ۱۳۵۷: ۲۰۱). به اعتقاد استاد مرتضی مطهری، به استناد قرآن کریم، اجتماعی بودن انسان در متن خلقت و آفرینش او نهاده شده است و از نظر وی چنین برمی آید که انسان‌ها از نظر استعداد یکسان و همانند آفریده نشده‌اند و از نظر روحی، عقلی و توانایی فکری با هم متفاوتند. ریشه زندگی اجتماعی در گرایش‌ها و تمایلات فطری است و خاستگاه آن را باید در زمینه‌های اختصاصی انسان جست‌وجو کرد (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۵).

می‌توان گفت آداب معاشرت در اسلام دارای خطوط کلی است. بدین معنا که در دیدگاه اسلامی جامعه مطلوب و روابط انسانی آن، اولاً رنگ الهی به خود می‌گیرد و همه چیز در جهت نیل به هدف غایی آفرینش است. همان هدفی که کمال مطلوب اوست. از همین رو، جامعه برای انسان همانند صحنه آزمایشی است که او می‌تواند در این صحنه با ایجاد روابط صحیح و انسانی به هموعان خود صفات نیکویی را که مورد توجه و رضایت خداوند است، در خود پرورش دهد و از سوی دیگر صفات ناپسند و رذایل اخلاقی را که موجب سقوط و انحطاط اویند، از وجود خویش پاک کند. آداب همنشینی با دیگران را می‌توان در دو مرحله اندیشه و عمل خلاصه کرد:

الف) مرحله اندیشه؛ از دیدگاه اسلام روابط اجتماعی انسان‌ها در مرحله اندیشه بر اصول خیرخواهی، محبت و مودت، حسن ظن و مانند آن مبتنی است؛ یعنی مسلمان باید صفحه اندیشه خود را نسبت به دیگران نیکو سازد. اندیشه خیرخواهی و سعادت آنها را در سر داشته و از توطئه‌چینی بر ضرر آنان بپرهیزد. بنا به فرمایش امیر مؤمنان (ع)، خداوند سبحان دوست دارد که نیت انسان درباره هموعانش نیکو باشد.

ب) مرحله عمل؛ اسلام در مرحله عمل برای تنظیم روابط اجتماعی انسان‌ها، آداب و وظایفی قرار داده و پایه آن را بر ایمان به خدا و تقویت روح فضیلت و انسانیت بنا نهاده است. تعالیم اسلام در این زمینه چنان دقیق و هماهنگ با فطرت انسان است که اگر به آن عمل شود و معاشرت‌ها رنگ الهی به خود گیرد، سیمای زندگی دگرگون می‌شود. تبیین این تعالیم، ما را به ترسیم الگوی آرمانی در روابط و آداب معاشرت با دیگران هدایت می‌کند. بی‌شک، بسیاری دوست دارند در ارتباط با هموعان خویش، زندگی موفق داشته باشند، ولی به جهت ناآگاهی از چگونگی آداب معاشرت و نیز عدم رعایت این آداب توانایی برقراری روابط مناسب و اسلامی را از دست می‌دهند و به‌ناچار منزوی می‌شوند. بنابراین، شناخت این آداب در مرحله عمل و توانایی ایجاد ارتباط مناسب با قشرهای مختلف جامعه، بر اساس

بینش مکتبی از اهمیت بالایی برخوردار است. از آداب معاشرت در مرحله عمل این است که انسان رفتار خود را با دیگران نیکو سازد، انصاف را رعایت کرده، آنچه برای خود می‌پسندد، برای دیگران نیز پسندد و آنچه برای خود دوست نمی‌دارد، برای دیگران نیز نپسندد؛ با آنان مدارا کند و به امور آنان اهتمام ورزد، به نفع آنها حرکت و از تک‌روی بپرهیزد و با آنها همکاری داشته باشد، چنان‌که امیرمؤمنان علی (ع) نیز در وصیت خود به امام حسن (ع) به بخشی از این خطوط کلی اشاره کرده و می‌فرماید:

خویشتن را میان خود و دیگران میزان قرار ده، آنچه را برای خود می‌خواهی برای دیگران بخواه و آنچه را برای خود، خوش نمی‌داری، برای دیگران نیز خوش ندار. به کسی ستم نکن، چنان‌که دوست نداری به تو ستم شود و نیکی کن، همان‌گونه که دوست داری به تو نیکی شود (نهج البلاغه، ۱۳۸۵: نامه ۳۱).

مرحله عمل	مرحله اندیشه	آداب معاشرت و همنشینی با دیگران از منظر اسلامی
انصاف و نیکوکاری	خیرخواهی و مودت	
رعایت حقوق	حسن ظن	

اهمیت حقوق همسایگی

همسایگان در حقیقت نزدیک‌ترین بخش جامعه‌اند که هر خانواده‌ای با آن‌ها در ارتباط است و نیازها و مشکلات خود را با آن در میان می‌گذارد. در اسلام حقوق خاص و معینی برای همسایگان بیان شده است. از ویژگی‌های حق، این است که فایده متقابل دارد؛ چنین نیست که همسایه‌ای به عهده دیگران حقوقی داشته باشد، ولی خودش نسبت به مجاورین حقی بر عهده نداشته باشد، هر کس که تصور می‌کند به گردن دیگری حقی دارد، باید متوجه باشد که او نیز مدیون است. «بدان خدایی که جان محمد به ید قدرت و فرمان اوست، به حق همسایه نرسد جز کسی که خداوند متعال بر وی رحمت کرده باشد» (غزالی، ۱۳۷۴، ج: ۱، ۴۲۸).

رعایت حال همسایگان در نظام معاشرتی اسلام اهمیت بالایی دارد. ارزش‌های دینی و بنیان‌های عقیدتی هر انسان مسلمانی، او را ملزم می‌کند که قلمرو محظوظ بودن از امکانات زندگی و نعمت‌های الهی را از محدوده چهاردیواری مسکونی خویش بیرون آورده و به محیط پیرامون و محله‌ای که در آن سکونت دارد، سرایت دهد. رعایت حقوق و آداب همسایگی، زمینه‌ساز شکل‌گیری روابط اجتماعی سالم خواهد شد که خود، بسترساز ایجاد

محبت، همدلی، جاذبه و همراهی میان افراد خواهد بود. ساماندهی روابط اجتماعی بر اساس اخلاق و اصول انسانی یکی از وجوه مهم الگوی روابط همسایگی از منظر اسلام به شمار می آید. این وجه مطابق فطرت و اصول اسلامی نیز هست. از برخی آیات قرآن کریم چنین برمی آید که در تعاملات اجتماعی به ویژه با کسانی که همواره در کنار هم به سر می برند و به عنوان همسایه شناخته می شوند، باید فراتر از اصول عقلانی عمل کرد و عواطف و احساسات در شکل معقول آن حاکم بر عملکرد و رفتارها باشد. از این رو، فراتر از احکام متعارف حقوقی که عقل صادر می کند، از مؤمنان خواسته شده تا رفتارها را بر اساس عواطف انسانی با همسایگان تنظیم کرده و سامان دهند. هم چنین، قرآن کریم از مؤمنان می خواهد تا برای دستیابی به مودت و برادری، بر اساس اصول انسانی و عواطف عمل شود. این امر همانند حکمی است که خداوند نسبت به همسران نیز بیان می کند؛ زیرا از آنان نیز خواسته می شود تا فراتر از حقوق و بر اساس احسان، رفتار خانوادگی را شکل دهند. همچنین در خانواده بزرگتر یعنی جامعه نیز باید این اصل، حتی نسبت به همسایگان غیر هم عقیده، نیز رعایت شود. البته، اولویت نخست در این است که به همسایه مؤمن احسان شود تا هدف اصلی امت، خود را به نمایش گذارد (طبرسی، ۱۳۶۸، ج ۳ و ۴: ۲۷).

انواع حقوق روابط همسایگی در سبک زندگی اسلامی		
مولفه های عملی	انواع حقوق	حقوق همسایگی
توجه به نیازهای اولیه	حقوق انسانی و عقلانی	
رازداری		
گذشت		
امنیت	حقوق عاطفی	
صبر در برابر آزار همسایه		
همدردی با همسایه		
خوش رفتاری	حقوق اخلاقی	
حفظ حرمت		
عفت و پاکدامنی	حقوق دینی و مذهبی	
حمایت و پشتیبانی		
همراهی		

حقوق همسایه

اسلام برای همسایگان؛ چون خویشاوندان، حقوقی را در نظر گرفته که اگر کسی آنها را نادیده بگیرد و یا زیر پا نهد، گناهکار و تجاوزکار شمرده خواهد شد. روشن است که از مهم‌ترین مصادیق احسان، عفو و گذشت، ایثار، از خودگذشتگی، رحمت، مودت، مهر و صفا و مانند آن است. در حقیقت، از مؤمنان خواسته شده تا فراتر از حقوق عقلانی، از مقام عواطف انسانی با همسایگان رفتار کنند. از این رو، امام سجاد (ع) می‌فرماید: «چنانچه بر عیب همسایه‌ات آگاه شدی، باید آن را مخفی داری» (مجلسی، ۱۳۶۱، ج ۷۴: ۷) و امام کاظم (ع) می‌فرماید:

همسایه‌داری نیکو، به آزار نرساندن نیست، بلکه همسایه‌داری نیکو، در صبر بر آزار همسایه است (همان، ج ۷۸: ۳۲۰).

تاکید قرآن کریم، بر این که نسبت به همسایه فراتر از حقوق عقلانی، رفتار شود بدان دلیل است که احسان به همسایه از باب تألیف قلوب نسبت به غیرمؤمنان یا از باب مظهریت اسمای الهی نسبت به مؤمنان، آثار چندی دارد که از آن جمله می‌توان به گرایش دل‌های غیرمؤمنان به مومنان و علاقه‌مندی به اسلام و نیز تأمین امنیت جانی و مالی و قرار گرفتن در دایره ثبات اجتماعی اشاره کرد. چنان که امام صادق (ع) توصیه می‌کنند که «نه با زبانمان که با رفتارمان مردم را به سوی حق دعوت کنیم»^۱ (مجلسی، ۱۳۶۱، ج ۵: ۱۹۸) تا مردم خوبی‌ها را مشاهده کرده و بدان‌ها عمل کنند، نه آنکه به زبان مطالبی را بگوییم که خود در عمل به آنها جلدی نیستیم. از این رو، وقتی در برخورد با همسایگان، پس از احوال‌پرسی گرم و تعارفات دروغین، پشت سر آنها و در خانه، زبان به نکوهش و ملامت آنها گشوده می‌شود، افزون بر آنکه نسبت به حق همسایه کوتاهی صورت گرفته، فرزندان خود را نیز با رفتار سوء تربیت کرده که در رشد اجتماعی و فکری و عاطفی آنها اثر منفی خواهد گذاشت.

روان‌شناسان نیز عقیده دارند خدمت به افراد رضایت‌درونی و لذتی عمیق در وجود انسان پدید می‌آورد که در بهداشت روانی فرد و ایجاد شادابی در اندیشه و عواطف وی نقش مهمی دارد. صرف نظر از این احساس خوب، انجام منظم کارهای داوطلبانه خیریه، بیش از هر عامل دیگر عمر آدمی را افزایش می‌دهد. آنان بر این باورند که کمک به دیگران نظام

۱. «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَلَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِالْسَيِّئَاتِكُمْ».

ایمنی و مقاومت بدن در برابر امراض را افزایش داده، از میزان چربی موجود در خون می‌کاهد، در عین حال قلب را تقویت کرده و از ناحیه درد در سینه کم می‌کند و نیز فشار روانی را کاهش می‌دهد (ویلیامز و راجر، ۱۳۸۹: ۱۵۵). فایده دیگر کمک به دیگران آن است که با چنین کاری به یک مبادله اجتماعی پرداخته می‌شود؛ زیرا وقتی همسایگان مشاهده کنند که دیگران در امور مورد نیاز آنان فعال هستند و برای رفع آن نیاز تلاش دارند، در هنگام گرفتاری دیگران، آنها نیز متقابلاً ضمن اظهار همدردی، در جهت رفع موانع و مشکلات می‌کوشند (ذکایی، ۱۳۸۵: ۱۱۸).

خوش رفتاری و برخورد محبت‌آمیز از مهم‌ترین حقوق همسایگی در الگوی مطلوب اسلام در باب روابط اجتماعی به‌شمار می‌آید. روشن است که در پرتو خوش رفتاری متقابل و رعایت حال یک‌دیگر؛ بر نشاط درونی و امنیت روانی انسان افزوده می‌شود. آن‌گونه که پیامبر اکرم (ص) از جمله نشانه‌های مؤمن بودن را حسن سلوک با همسایه‌ها می‌داند. از جمله مصادیق خوش رفتاری با همسایه‌ها، احوال‌پرسی از همسایه (مجلسی، ۱۳۸۸، ج ۷۷: ۲۳۱) و خیرخواهی برای ایشان است.^۱

خیرخواهی بدین معنا که انسان آنچه را برای خود خیر می‌داند، برای همسایه‌اش نیز همان را بخواهد و آنچه را که برای خود خوش نمی‌داند، برای همسایه‌اش نیز خوش ندارد. از نظر اسلام، مراعات احسان همان‌گونه که در خانواده نیاز است و پایه روابط خانوادگی را شکل می‌دهد (سوره بقره: ۸۳؛ سوره نساء: ۳۶)، همچنین لازم است تا به خانواده بزرگ اسلامی به‌ویژه خانواده نزدیک و همسایه نزدیک، این‌گونه توجه ویژه شود و همواره با احسان با آنان برخورد شود. از این رو، رسول اکرم (ص) حقوق همسایگی را مانند حقوق مادر دانسته‌اند (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۶۶۶).

امام صادق (ع) در سخنی جاویدان، نیک رفتاری با همسایه را پس از نماز و در ردیف اقامه این فریضه الهی در مسجد، ذکر کرده‌اند (شیخ مفید، ۱۳۶۴: ۲۰۵). ابن مسکان می‌گوید: «امام صادق (ع) فرمود: ما ریشه همه خوبی‌ها و نیکی‌ها هستیم و این‌ها همه از شاخه‌های وجود ماست». در این روایت تفقُّد و دلجویی از همسایه به‌عنوان خیر و خوبی معرفی شده است (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۵۱).

محور دیگر حقوق همسایگان، رعایت حقوق انسانی و توجه به نیازهای اولیه آنهاست. توجه به اوضاع اقتصادی و مشکلات مالی همسایگان، در نظام ارزشی اسلام از اهمیت بالایی

۱. امام علی (ع) می‌فرماید: مَنْ حَسَنَ الْجَارَ تَفَقَّدَ الْجَارَ (مجلسی، ۱۳۶۱، ج ۷۷: ۲۳۱).

بر خوردار است و شایسته نیست که مسلمانی، تنها به فکر برآوردن نیازهای خود باشد و از همسایگان اش غافل شود. این سخن رسول اکرم (ص) که کسی که خود را سیر کند، ولی همسایه اش برای رفع گرسنگی مشکل داشته باشد، به من ایمان نیاورده است (پابنده، ۱۳۸۵: ۵۵۹)، اهمیت توجه به این بُعد از حق همسایگی را دوچندان می کند.

در اقتصاد اسلامی و احکام شرعی نیز همسایگان فقیر مورد توجه بوده اند و تأکید شده که مؤمنین در انفاق، صدقات و زکات نباید آنان را فراموش کنند. هم چنین است گفتار امام سجاد (ع) مبنی بر این که اگر کسی شب را با سیری سپری کند و در همسایگی او مومنی گرسنه باشد، خداوند درباره اش می فرماید: ای فرشتگان؛ شما را بر این بنده شاهد می گیرم، من او را به نیکی امر کردم، ولی اطاعت نکرد و از غیر من پیروی کرد، او را به اعمال خودش واگذار کردم، سوگند به عزت و جلال ام هرگز چنین فردی را نمی بخشم (ابن بابویه، ۱۳۸۲: ۲۹۸).

همدردی با برادران دینی و یاری رساندن به آنان با کمک های مالی و مانند آن که در اسلام با عنوان «مواسات» از آن یاد می شود، از دیگر حقوق و مولفه های الگویی روابط همسایگی در اسلام است. در اسلام به اندازه ای بر مواسات تأکید شده است که می توان آن را به عنوان یک قانون اخلاقی معرفی کرد. یکی از موارد مواسات، کمک مالی به یک دیگر است. مؤمن، پیش از آن که به مقام والای مواسات عروج کند، باید خود را به فضیلت های پسندیده ای چون؛ نوع دوستی، ترحم، سخاوت، جوانمردی و... آراسته کرده باشد و مواسات در واقع، مظهر تاییدی است بر فضیلت هایی که مواسات کننده بدانها متصف شده است. این مفهوم با واژه های «انفاق» و «ماعون» در قرآن کریم ذکر شده است.

شاید حکمت آن که در قرآن کریم به همه امت اسلامی دستور انفاق داده شده است، این باشد که همان گونه که انجام عبادت هایی چون نماز، روزه و حج موجب ثواب و پاداش الهی می شود و برکات بسیاری برای مسلمانان در بردارد، زکات و انفاق نیز در نزد خداوند اجر و ثواب اخروی و پاداش دنیوی دارد و پروردگار عالم دوست ندارد که هیچ کس حتی افراد فقیر، از چنین خیری محروم بمانند و از همین رو، به همه مسلمانان به اندازه توانشان دستور انفاق می دهد.

راز دیگر این نکته، آن است که می خواهد همه امت مسلمان با هم برادر و همدل باشند و در مشکلات و گرفتاری ها یار و غمخوار هم باشند و به مواسات با یک دیگر بیندیشند.

۱. «الینفق ذو سعته من سعته، ومن قدر علیه رزقه، فلینفق ممّا آتاه الله، لا ینکلف الله نفساً إلا ما آتاه...» (سوره طلاق: ۷).

چنان‌که بنا بر حدیث شریفی که از پیامبر اکرم (ص) وارد شده، در اندیشه نیازهای دیگران بودن، گره گشودن از کار مردم و خدمت به دیگران از وظایف اساسی هر مسلمانی است (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۲۳۸).

صبوری و رازداری مولفه دیگر الگوی مطلوب در روابط همسایگی است. افزون بر آن‌که رازداری یک صفت نیک و پسندیده اخلاقی است؛ برخی دلایل فردی و اجتماعی اقتضا می‌کند که افراد مهر خاموشی بر لب زنند تا گنجینه اسرار خودشان و دیگران از چشم اغیار دور بماند. حفظ اسرار را باید از خدا آموخت؛ چرا که خداوند بیش‌تر و پیش‌تر از هر کس، از اعمال، حالات، رفتار، عیوب و گناهان بندگان باخبر است، اما حلم، بردباری، پرده‌پوشی و رازداری او بیشتر از همه است (سوره جن: ۲۶). تاکید اسلام بر حفظ اسرار از آن روست است که این امر، تمرینی برای حفظ آبرو و پاسداری از رازهایی است که دیگران نزد شخص به امانت گذاشته‌اند. همسایگان، کم‌کم بر اسرار زندگی هم آگاه می‌شوند و از آن‌جا که آشکار ساختن اسرار زندگی مردم و فاش کردن عیب‌های آنان بسیار نکوهیده است، شایسته است که مؤمن از کنجکاوی و عیب‌جویی دیگران و به‌ویژه همسایگان، پرهیز نماید و اگر هم بر حسب اتفاق بر رازی آگاه شد، باید آن را پنهان بدارد و مصداق این مثل که «خدا می‌بیند و می‌پوشد و همسایه ندیده، می‌خروشد» نباشد.

عیب‌جویی در مردم و کوشیدن برای یافتن نقص در آنها، بیان‌گر وجود کاستی در خودمان است. امام علی (ع) مردمانی را که از دیگران عیب‌جویی می‌کنند، ولی از خوبی‌های دیگران چیزی نمی‌گویند، به مگسی تشبیه کرده که می‌کاود تا در جاهای فاسد و کثیف بدن بنشیند و به قسمت‌های سالم پوست کاری ندارد (ابوالفتح، ۱۳۶۴: ۱۲۹).

حفظ حرمت همسایه و توجه داشتن به حیثیت او، از دیگر وظایف اخلاقی ما نسبت به همسایگان است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید همسایه‌اش را حرمت نهد و او را اِکرام نماید» (پابنده، ۱۳۸۵: ۵۷۳). امام صادق (ع) نیز می‌فرماید، در کتاب امیرمؤمنان (ع) خواندم که رسول خدا (ص) فرموده بودند: همسایه همچون نفس انسان است، نباید ضرر و آزادی متوجه او شود و نیز روا نیست همسایه را (بدون جهت) مُجرم تلقی کرد و حرمت همسایه با احترام مادر برابر است و نیز از آن حضرت نقل شده است که «حرمت همسایه همچون حرمت خون است و باید همسایه را گرمی داشت، اگر چه غیر مسلمان باشد» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۴۶۵).

معمولاً رفتار و کردار افراد در یک محله یا مجتمع مسکونی مورد ارزیابی همسایگان قرار می‌گیرد و افراد در مورد شیوه‌های اخلاقی و شخصیت و منش افراد به داوری می‌پردازند و

اگر در مجموع خوبی‌های کسی را تأیید کردند، باید خدای را سپاس گزار بود و در غیر این صورت، باید در مناسبات رفتاری و خلق و خوی خویش تجدید نظر کرد و نسبت به اصلاح رفتار خویش کوشید و در این بازنگری‌ها خصلت‌های منفی را از خود دور کرده و خلق و خوی مطلوب را تقویت کرده و نسبت به شکوفایی آن همت شود. ابوذر غفاری از رسول اکرم (ص) پرسید: چگونه بدانم نیکوکارم یا بدکار؟ آن حضرت فرمود: «هنگامی که از همسایگان شنیدی که درباره‌ات می‌گویند به تحقیق نیکو عمل کرد، پس نیکوکاری و اگر دیدی که می‌گویند، بد کرد، بدکاری» (فیض کاشانی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۴۲۵).

رعایت عفت و پاکدامنی درباره همسایه، حق دیگر همسایگی است که مورد تأکید قرار گرفته است؛ چنان‌که روایت شده که اگر کسی پاکدامنی را رعایت نکند و از مرز عفت تجاوز نماید در روز قیامت خداوند به او نگاه مرحمت ندارد و او را پاک نمی‌کند و به او می‌گوید که همراه با دوزخیان به داخل آتش برو، سنگینی کیفر این کار به این دلیل است که در دنیای همسایگی، نوعی اطمینان و اعتماد متقابل حکومت می‌کند و اگر کسی از این فضا سوء استفاده کند و این حاکمیت را مخدوش سازد، مرتکب جرم سنگینی شده و باید در انتظار کیفر سنگین نیز باشد. اسلام با تکیه بر همین اصول، تأکید دارد که کسی نباید بدون اذن به محل سکونت دیگران داخل شود و فلسفه آن را یکی آماده شدن زنان ساکن خانه برای پوشیدن خود دانسته و دیگر آن که هر کسی با افراد خانه خود اسراری دارد و نمی‌خواهد دیگران از مسائل آنان آگاه شوند (سوره نور: ۲۷).

آثار و پیامدهای همسایگی

همسایگان به طور ضمنی و حتی غیر مستقیم بر حالات یک‌دیگر اثر می‌گذارند و هر فرد در مقابل کنش همسایگان واکنش نشان می‌دهد که این رفتار، خود می‌تواند به‌طور متقابل تأثیر خود را بر افراد محله بروز دهد، همچنین اعمال ذهنی و هنجارهای انتقال یافته بین همسایگان در ضمن تبادل، همه افراد محله را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. همسایگان در پیدایش معضلات اجتماعی سیاسی و حتی حالات و رفتار روانی دخالت دارند و کودکان با تقلید، خصوصیات آنان را به خود انتقال داده و در واقع، تکوین شخصیت فرزندان به مناسبات رفتاری با همسایگان بستگی دارد.

بنابراین، به نظر می‌رسد که ترکیب همسایگان می‌بایست به گونه‌ای باشد که از نظر روحیات، اخلاق و رفتار و حتی عقاید و باورها به هم نزدیک باشند؛ زیرا تأثیر شگرف بینش‌ها بر نگرش‌ها و رفتارها امری نیست که بتوان از آن غفلت کرد. همسایگانی که از نظر

بینش و نگرش به هم نزدیک هستند، بهتر می‌توانند به یک‌دیگر کمک کنند. بنابراین، شناخت محله و همسایگان حتی بر خرید خانه مقدم است. از همین رو، آنچه باید به‌عنوان معیار انتخاب انسان در خرید خانه باشد، اهالی محل و همسایگان آن‌اند. فرمایش رسول گرامی اسلام (ص) مبنی بر این که همسایه را پیش از خانه و رفیق را پیش از راه و توشه را پیش از سفر، باید انتخاب و تهیه کرد، گواهی روشن بر این مطلب است (پابنده، ۱۳۸۵، ح: ۱۳۱۶). مکان‌هایی که اعضای آن بر دین خدا اجتماع دارند، از جمله بهترین منزلگاه‌های سکونت است. بدین جهت که در هر جا که شمار مسلمانان و مؤمنان بیشتر باشد، عادت‌ها، آداب و رسوم و الگوهای رفتاری آنان، غالب می‌شود و امکان آموختن، عبرت گرفتن و عمل به آموزه‌های دین، افزایش می‌یابد.

آثار مطلوب

توجه به آثار و پیامدهای مثبت همسایه برای دیگر همسایگان از موارد قابل توجه در این مقوله است. رسول گرامی (ص) اسلام در این باره می‌فرماید: «همانا خداوند به‌وسیله مسلمان پارسا و شایسته، بلا را از صد خانه از همسایگان او دفع می‌کند» (همان، ح: ۸۲۷). نقش همسایه خوب در زندگی آن‌چنان است که آن حضرت در حدیثی دیگر می‌فرماید: «مسکن و همسایه خوب و مرکب مناسب از سعادت انسان است» (همان، ح: ۱۶۷۲).

الف) آثار همسایه خوب

برخورداری از همسایه صالح از عوامل سعادت انسان است. انس و اُلفت با چنین انسان‌هایی در واقع، شکرگزاری نعمت‌ها و قدردانی از لطفی است که خداوند در حق او کرده است. محیط و معاشرت‌های محله‌ای - چه در بُعد مثبت و چه در بعد منفی - بر روان آدمی اثر می‌گذارد. چنان‌که استاد مرتضی مطهری نیز اشاره کرده‌اند، روح انسان حساس است و بی آن که خود شخص متوجه باشد، صلاح و فساد از فردی دیگر به وی سرایت می‌کند (مطهری، ۱۳۷۲: ۲۸۱).

از برکات و آثار وجود همسایه خوب، افزایش روزی و برکت است. امام صادق (ع)، خوش رفتاری با همسایه را موجب زیاد شدن روزی معرفی کرده و می‌فرماید: «همسایه‌داری نیکو، روزی را زیاد می‌کند» (مجلسی، ۱۳۶۱، ج: ۷۱، ۳۹۶). هم‌چنین آمرزش گناهان نیز پاداش خداوند به کسانی است که همسایه‌ها از آنان راضی باشند. تأکید پیامبر خدا (ص) بر این که هر کس بمیرد، در حالی که سه همسایه داشته باشد و همگی از او راضی باشند، آمرزیده

می شود (نوری، ۱۴۰۸، ج ۸: ۴۲۲) نیز ناظر به همین مطلب است.

آبادی شهر یکی دیگر از جمله آثار مثبت همسایگی خوب است؛ زیرا موجب امنیت و آرامش عمومی می شود و رحمت و محبت الهی را بر می انگیزاند. پیامبر اکرم (ص) در این باره می فرماید: «همسایه داری نیکو، شهرها را آباد می کند و عمرها را طولانی می سازد» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۶۶۷). امنیت و آرامش هم چنین موجب حصول مؤلفه های خوشبختی خواهد شد که این موهبت را نیز می توان در همسایگی با مردمان خوب کسب کرد. انسان در انتخاب خانه و همسایه، نخست به مسائل اصلی که مؤلفه های خوشبختی را تشکیل می دهند؛ یعنی امنیت، آسایش و آرامش توجه دارد.

گفتار حکیمانه پیامبر اکرم (ص) مبنی بر این که حرمت همسایه بر همسایه، چون حرمت خون اوست، اشاره و تأکیدی بر همین امر است (نهج الفصاحه، ۱۳۸۵، حدیث ۹۵۳۱)؛ زیرا انسان دوست دارد در کنار کسانی زندگی کند که از امنیت و آرامش برخوردار باشد. از همین رو، خداوند بر اساس اصول روان شناختی اجتماعی، از مؤمنان می خواهد تا در یک منطقه گرد آیند و همان گونه که از نظر روحی و اعتقادی به هم نزدیک هستند، از نظر فیزیکی نیز به هم دیگر نزدیک باشند، تا پاسخی شایسته و مناسب به نیازهای امنیتی، روحی و روانی و مادی یک دیگر بدهند.^۱

در آیه ۸۷ سوره شریفه یونس، سخن از ساخت مجتمع های مسکونی به میان آمده به گونه ای که خانه ها روبه روی هم قرار گیرند تا ملت هم عقیده و هم فکر در کنار هم گرد آیند و ضمن تأمین امنیت جانی، پاسخ گوی نیازهای مشروع یک دیگر باشند. بی شک، همسایگانی که از یک نژاد و فرهنگ و هم عقیده باشند، بهتر می توانند این نقش مهم را ایفا کنند. در مرحله بعد همسایگانی که از نظر عقیدتی، بینشی و نگرشی به هم نزدیک هستند، هر چند که از نظر قومی و نژادی گوناگون باشند، بهترین همسایگان خواهند بود و در مرحله سوم، کسانی که از نظر رفتاری به هم نزدیک هستند - به رغم تفاوت هایی دیگر - می توانند همسایگان مناسبی باشند.

شکل گیری اعتماد اجتماعی از دیگر آثار مثبت در روابط همسایگی مورد نظر اسلام است. اعتماد اجتماعی، یعنی پایبند بودن به هنجارها و ارزش هایی که مورد قبول اعضای جامعه بوده و سبب رشد فرهنگی و بالندگی اقتصادی می شود. با بالا رفتن آگاهی، مشارکت

۱. «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَ لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بَيْوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (سوره یونس: ۸۷).

اجتماعی افزایش می‌یابد، همان‌گونه که با افزایش ایمان، اعتماد عمومی به یک‌دیگر در میان مردم، اعتماد به نهادهای مردمی و دولتی و مشارکت‌های داوطلبانه در تشکلهای غیردولتی در شبکه‌های ارتباط اجتماعی افزایش می‌یابد. «اعتماد» به مفهوم کاربردی، بدین معناست که شما به طرف مقابل اطمینان می‌کنید، تصورتان بر این است که او با شما صادق است. اعتماد اجتماعی، موجب بالارفتن سرمایه اجتماعی در میان یک جامعه می‌شود. سرمایه اجتماعی، مجموعه هنجارهای موجود در نظام‌های اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه شده و موجب پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌شود (فرکویاما، ۱۳۷۹: ۷۵).

در گذشته افراد در محلات یک‌دیگر را می‌شناختند و عموماً پیوندهای قومی، زبانی، مذهبی و فرهنگی افراد را به هم پیوند می‌داد و ضریب اعتماد اجتماعی افراد بسیار بالا بود و از همین رو، امنیت اجتماعی در بین افراد و همسایه‌ها بالا بود، اما امروزه جای آن اعتماد اجتماعی سنتی را اصل «بی تفاوتی مدنی» گرفته است. بی تفاوتی مدنی به افراد حکم می‌کند در زندگی دیگر شهروندان دخالت نکنند و نسبت به زندگی و رفتارهای دیگران نوعی بی تفاوتی از خود نشان دهند.

روابط سنتی همسایگی نمی‌تواند با این سازگار باشد؛ زیرا روابط چهره به چهره سبب گسترش مداخله افراد در زندگی یک‌دیگر می‌شود. از منظر اسلام، مهم‌ترین سرمایه یک جامعه، اعتمادی است که افراد به یک‌دیگر دارند و هر چیزی که این اعتماد و همبستگی را تقویت کند، مایه سعادت و پیشرفت جامعه است و هر آنچه که به آن لطمه بزند، عامل شکست و بدبختی است. از مهم‌ترین اموری که موجب بالا رفتن اعتماد عمومی می‌شود، وفای به عهد و پیمان است که از فضایل مهم اخلاقی نیز به‌شمار می‌آید و در مقابل، پیمان‌شکنی از زشت‌ترین ردای اخلاقی است. در همین راستا، پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید:

در فردای قیامت، کسی به من نزدیک‌تر است که از همه راستگوتر، امین‌تر، وفاکننده‌تر به عهد و از همه خوش اخلاق‌تر و نزدیک‌تر به مردم باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۴۶).

احسان به همسایگان هم چنین از اوامر الهی و از مصادیق عبادت خداوند شمرده شده است (سوره نساء: ۶۳). این احسان، انسان را تا جایی بالا می‌برد که مصداقی از مظهریت الهی می‌شود. همچنین زمینه‌ساز جلب محبت الهی است و انسان را در دایره محبوبان خداوند قرار می‌دهد که خود مقامی بس بزرگ است (همان).

آثار و پیامدهای روابط همسایگی مطلوب اسلامی	
غیرمستقیم	مستقیم
تغییر نگرش	تألیف قلوب
ماهه دفع بلا	امنیت (جانی، مالی و روانی)
افزایش روزی	ثبات اجتماعی
آمرزش گناهان	آبادی جامعه (محلّه)
تقلیدپذیری	مشارکت اجتماعی
ایجاد همبستگی	رفع محرومیت

آثار نامطلوب

بنا بر تأکید امام علی (ع) زندگی در محلّه‌هایی که غفلت و ستمکاری زیاد است و یاری کنندگان دین اندک‌اند، نهی شده است؛ زیرا سکونت در این محلّه‌ها و همسایگی با افراد آن، موجب می‌شود تا بینایی از دل و روشنایی از ادراک گرفته شود (سیدرضی، ۱۹۸۰: ۴۵۹). بر مبنای پژوهش‌های روان‌شناسانه، وقتی محیط پیرامون وضع پستی داشته باشد، نتایج آزمون هوشی، وخیم می‌شود (کلاین‌برگ، ۱۳۸۳: ۲۹۶). چارلز کولی عقیده دارد که همسایگان جزو گروه‌هایی هستند که به منزله پرورشگاه طبیعت انسانی به‌شمار می‌روند و در آنها احساسات پایه‌ای، ضروری، وفاداری و توجه به دیگران آموخته می‌شود، همسایگان با روابط متقابل چهره به چهره، مناسبات عاطفی، همانندی و همکاری نزدیک در تربیت اجتماعی و رشد عاطفی خویش می‌کوشند (ستوده، ۱۳۷۵: ۱۱۷).

در واقع، هر کس با دیگری زندگی می‌کند، بخشی از آموخته‌هایش را فرا می‌گیرد و معمولاً انگیزه‌های مهم او برخاسته از روابط اجتماعی‌اند و اجتماعی‌بودن، بخشی از ماهیت انسانی وی را تشکیل می‌دهد. همسایه‌ها به هم نیاز دارند و از هم تأثیر می‌پذیرند و ناخودآگاه رفتار یک‌دیگر را همانندسازی می‌کنند. روحیه فردی به شدت تحت تأثیر افکار جمعی قرار دارد. از این رو، در محلاتی که همسایگان دچار کشمکش و نزاع‌اند، افراد از آرامش روانی بی‌بهره‌اند و دچار فشارهای روحی و اختلالات عصبی هستند و این عدم شادمانی و نشاط روحی، می‌تواند سلامت جسمی و زیستی افراد ساکن در آن محلّه را با مشکل روبه‌رو سازد.

تأثیرات محیط و محلّه بر شخصیت افراد

شخصیت هر انسانی متأثر از جامعه و محیط اجتماعی آن شکل می‌گیرد. آداب و سنت‌ها،

نه تنها رفتار او را تحت تأثیر مستقیم و شدید خود قرار می‌دهد، بلکه افکار و اندیشه‌ها و در نهایت، سعادت و شقاوت او را می‌سازد. از آیه ۲۷ سوره نوح برمی‌آید که محیط زیست چگونه در ساخت اندیشه و رفتار آدمی نقش مستقیم و بی‌ظیری دارد. انسان تحت تأثیر مستقیم جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، شخصیت واقعی خود را شکل می‌دهد و خوشبختی و بدبختی دنیوی و اخروی خویش را رقم می‌زند. بر این اساس، محله نیز جامعه کوچکی از همسایگان است که نقش بسیار زیادی در شکل‌دهی به شخصیت افراد دارد. مردم و به‌ویژه کودکان، روزانه بیش از آن‌که با خانواده و والدین خود در ارتباط باشند، در میان همسالان خود به سر می‌برند و از آنان می‌آموزند. بی‌شک، مناسبات همسایگان با یک‌دیگر، فرهنگی را شکل می‌دهد که در بستر جامعه نیز آثار و فواید خود را نشان می‌دهد. از ارتباط میان محیط زیست اجتماعی و سکونت با دیگران، مفهوم هم‌نشینی و اثرات آن روشن شده و معنا پیدا می‌کند. هم‌نشینی در قالب یک محله، سبب می‌شود تا افراد از ارزش‌ها و آداب خاص این نوع هم‌نشینی اثرات مثبت یا منفی بپذیرند. آمادگی‌های افراد برای اثرپذیری از هم‌نشینان، بر حسب سن، جنس، سواد، محیط و طبقه اجتماعی و همچنین میزان وابستگی فرد به هم‌نشینان و همسایگان متفاوت است.

به اعتقاد ساترلند^۱، «هم‌نشینان» فرد را وامی‌دارند تا به دلخواه آنان فکر، احساس و رفتار کند. آنان نقش مهمی را در درگیر کردن هر چه بیشتر فرد در فعالیت‌های موافق با دیدگاه‌های خود دارند. برای مثال، آنان که با کچروان هم‌نشین‌اند، کچروتر از کسانی‌اند که با مجموعه‌ای از هم‌نشینان کچرو و راست رو ارتباط دارند. بنابراین، این معاشرت ممکن است به گونه‌ای از شیوه زندگی تثبیت شده که با ارتکاب جرم همراه است، بینجامد (رایت‌زن و دیگران، ۱۹۹۸: ۱۲۸). از همین روست که اسلام، پیروان خود را به زندگی و سکونت در محل‌هایی که مسلمانان و افراد مومن زندگی می‌کنند، توصیه می‌کند. در جوامع امروزی، به سبب حضور افکار مادی‌گرایانه، نوعی خودپسندی و خودبزرگ‌رشد کرده و از همین‌رو، هر کسی خود را بی‌نیاز از دیگری می‌داند. در مناطق اعیان‌نشین، هر چند نگرش‌ها و رفتارها به هم نزدیک است، ولی روحیه خود برتری‌ی و بی‌نیازی، موجب می‌شود تا افراد از یک‌دیگر دور باشند و همسایه‌ها، نه تنها یک‌دیگر را نشناسند، بلکه هیچ‌گونه ارتباطی با هم نداشته باشند تا پاسخ‌گوی نیازهای هم‌دیگر باشند؛ از این‌رو، برخلاف مبانی و اصول همسایگی و فلسفه وجودی آن، به‌شدت، از میزان امنیت در این مناطق کاسته می‌شود و مشکلات روحی و

1. Edwin Sutherland

روانی بیشتر است. به این دلیل که در چنین فضایی، افراد در خود فرو رفته و از جامعه دور مانده‌اند و این احساس تنهایی و انزوای اجتماعی نسبی و قطع رابطه با خویشاوندان، دوستان و همسایگان، می‌تواند عواقب مرگبار نیز داشته باشد و از میزان امید به زندگی بکاهد (آیزنک، ۲۰۱۱:۱۳۷۵). متأسفانه هر قدر در رشته‌های مهندسی و معماری، خانه سازی و برج سازی، طراحی بوستان‌ها و زیباسازی شهرها و آبادانی کوچه‌ها و خیابان‌ها، تجربه و تبخّر بیشتری پیدا شده، از تبیین، تبلیغ و ترویج فرهنگ همزیستی، ارزش‌های همسایگی و حقوق و وظایف متقابل نسبت به همسایه‌ها بر اساس تعالیم اسلامی، وامانده و غفلت ورزیده‌ایم، به طوری که بسیاری از خانواده‌ها از حال و احوال همسایه‌های دیوار به دیوار و مقیم در یک مجتمع مسکونی بی‌خبرند.

در اسلام از آن‌جا که تحقق جامعه انسانی آرمانی مبتنی بر اصول امت، نیازمند تحقق شرایط و بسترهای بسیاری است، غلبه فرهنگی و بینشی را برای امت‌سازی در دوره گذار مناسب دانسته؛ از این‌رو، وجود اکثریتی از افراد باایمان را برای ساخت جامعه اسلامی مناسب و مفید می‌داند. در این نوع از ساختار جامعه، می‌توان همسایگانی با عقایدی غیراسلامی را نیز داشت. در این صورت گفتمان غالب جامعه باید، گفتمان اسلامی باشد و ساختاری که در آیه ۸۷ سوره یونس، برای جامعه یهودی ارایه شده را به‌عنوان الگوی مناسب تجویز می‌کند با این تفاوت که در این جامعه و امت اسلامی، تنها یک قومیت حضور ندارد، بلکه از اقوام و نژادهای گوناگون حضور دارند، ولی وجه غالب این جامعه، همسانی در عقاید و باورهای اسلامی است. این‌گونه است که امت‌ها و ملت‌هایی دیگر غیراسلامی همچون امت مسیحی و یهودی نیز در آن حضور دارند و در همسایگی مسلمانان زندگی می‌کنند.

آثار		ویژگی‌ها	ویژگی‌ها و آثار همسایگی بد (نامطلوب)
غیرمستقیم	مستقیم	عیب‌جویی	
شکل‌گیری شخصیت منفی	نبود امنیت روحی و روانی	هتک حرمت	
بیماری‌های جسمی و زیستی	کشمکش و نزاع	پیمان‌شکنی	
تاریک شدن دل‌ها	رشد و افزایش رفتارهای منفی	ستمکاری	
شراکت در عقوبات اخروی	بدنام شدن جامعه	بدبینی	

ب) آثار همسایه بد

اگر روابط همسایگان بر پایه رفتارهای نامطلوب و خلاف هنجارهای حاکم و ارزش‌های مقبول باشد، آثار و پیامدهای نامطلوبی را نیز به‌جا خواهد گذاشت. از همین رو، زندگی در کنار همسایگانی که پای‌بند به حقوق دیگران نیستند، یک آفت و بار سنگین است. لقمان حکیم در همین‌راستا می‌گوید: «من صخره‌های بزرگ، آهن و هر بار سنگینی را به دوش کشیدم، اما باری سنگین‌تر از همسایه بد ندیدم» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۶۷۷). در همین‌باره پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «سه چیز در رأس مصیبت‌های کمرشکن‌اند و از آنها همسایه‌ای است که چشمانش تو را می‌پاید و دلش خواهان رسوایی تو است؛ اگر خوبی از تو ببیند، آن را می‌پوشاند و فاش نمی‌سازد و اگر بدی ببیند، آن را آشکار و همه‌جا پخش می‌کند» (حمیری، ۱۳۷۱: ۸۱). البته، گاهی اوقات برخی از همسایه‌ها اخلاق درستی ندارند، در این حالت باید با تحمل و برخورد مناسب با آنها، هدایت‌شان کرد. همان‌طور که امام کاظم (ع) تأکید می‌کنند: «حسن همسایگی این است که در برابر آزار و اذیت همسایه شکیبا باشی» (بحرانی، ۱۳۸۴: ۴۰۹).

یکی از نشانه‌های حسن همجواری، تکریم همسایه و آزار نرساندن به اوست. پیامبر اکرم (ص) در روایتی، این ویژگی را نشانه ایمان دانسته و فرموده‌اند: «هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید همسایه خویش را گرامی بدارد (همان، ح: ۴۷۷۲) و نیز «هر کس به خدا و روز واپسین ایمان داشته باشد، همسایه خود را آزار نمی‌رساند» (عاملی، ۱۳۸۷: ۱۰۵). بنابراین، حفظ امنیت همسایه و پرهیز از ایجاد مزاحمت و ناامنی برای او از لوازم ایمان است.

امر به معروف و نهی از منکر که از مباحث مهم در باب وظایف همسایگی مطلوب از نظر اسلام به‌شمار می‌رود، در این بعد معنا و مفهوم ویژه‌ای پیدا می‌کند. نهی از منکر را می‌توان نوعی انتقاد از ناراستی‌ها و کژی‌های موجود در جامعه قلمداد کرد. آن‌گاه که خانواده‌ای پیوسته، شاهد برخی گفتارهای نامطلوب و رفتارهای نابهنجار و خلاف ارزش‌های اخلاقی و موازین الهی در بین کوچک‌ترها و بزرگ‌ترهای همسایه خود باشد، لازم است با اندیشه و حسن تدبیر و اخذ روشی معقول و پرهیز از بکارگیری زبان تحقیر و تهدید، با کلام منطقی و خیرخواهانه به وظیفه اخلاقی و تکلیف شرعی خود عمل کرده، از تذکر و انداز، غافل نشود و به بهانه برخی ملاحظات فردی و منافع شخصی و حفظ مناسبات اجتماعی موجود و یا از سر عدم احساس مسئولیت، چنین رسالت مهمی را وانگذارد. بنابراین، می‌توان گفت که

همسایگان در برابر یک‌دیگر تعهد اجتماعی دارند. از نظر گیدنز^۱، «تعهد»، در زمینه رابطه‌های اجتماعی، نقشی محوری دارد و در تمامی عرصه‌های اجتماعی جاری است. همچنین تعهد از مؤلفه‌های مهمی است که در تمام فرهنگ‌ها وجود دارد. برای مثال، معتقدان واقعی به هر مذهب، تعهد خاصی نسبت به ارزش‌های نظری و عملی مورد تأیید آن مذهب دارند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۳۵).

چگونگی تعهدات متقابل انسانی، کیفیت رفتار همسایگان را مشخص می‌کند و از همین رو، اسلام برای بهبودی و کنترل این روابط، قوانین و احکام ویژه‌ای دارد. چنان‌که بر مبنای فرمایش امام صادق (ع)، هر کس همواره شاهد رفتارهای گناه‌آلود همسایه خود باشد و ایشان را از رفتار نادرستی که مرتکب می‌شود، نهی ننماید، شریک او به حساب می‌آید (دیلمی، ۱۳۸۳، ج: ۱، ۱۸۳).

نتیجه‌گیری

همسایگی و روابط مبتنی بر آن از جمله موضوعات و مباحث مورد توجه ادیان الهی و تمدن‌های بشری بوده‌اند. در لوای این پدیده اجتماعی، روابط خاصی که فراتر از شکل‌های مرسوم در گونه‌های دیگر زندگی اجتماعی‌اند، در بین افراد و خانواده‌های همسایه شکل می‌گیرد. روابط بین همسایگان از منظر اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد و بر الگوها و چارچوب‌های حقوقی و اخلاقی ویژه‌ای مبتنی است. این روابط از سویی در شخصیت و شیوه زندگی افراد تأثیر دارد و از سویی دیگر آثار فردی و اجتماعی گونه‌گون دارد.

بی‌تردید، یکی از عوامل مؤثر در فرایند یادگیری‌های اجتماعی و تأثیرپذیری اخلاقی و رفتاری کودکان، نوجوانان و بزرگسالان؛ «همسایه‌ها» هستند که می‌توانند مستقیم و غیرمستقیم با ارائه الگوهای رفتاری خاص، نقش قابل توجهی در شکل‌گیری باورها، کنش‌ها، واکنش‌ها و منش‌های هم‌دیگر داشته باشند.

جامعه با محوریت همسایگی، با شکل‌دادن به بافت فرهنگی - اجتماعی مجتمع‌ها، کوچه‌ها و محله‌ها می‌تواند در جهت بخشیدن و تبلور بسیاری از اندیشه‌ها و رفتارها مؤثر باشد و نیز در آسیب‌پذیری‌ها و یا مصونیت‌های اجتماعی - فرهنگی و آرامش روانی هم‌محله‌ای‌ها بسیار تأثیرگذار باشد. همسایه‌ها در فقر یا غنای فرهنگی محله نقش غیرقابل انکاری دارند و بر تأمین آرامش خیال، بهداشت روان و یا احساس ناامنی و دغدغه‌های خاطر هم‌دیگر

اثر گذارند. از منظر اسلام، همسایه‌ها می‌توانند از عالی‌ترین وجوه روابط از قبیل رفاقت و مهربانی و احسان و مواسات، صمیمیت و یک‌رنگی، تعهد و مسئولیت‌پذیری، حمایت و پشتیبانی، همدلی و همراهی، همفکری و همگامی، گذشت و صبوری، ایثار و پایداری، همزبانی و رازداری و صلابت و استواری برخوردار باشند. این روابط بهنجار که در شکل حقوق و وظایف اخلاقی ترسیم شده‌اند، آثار مفیدی هم در محله برای همسایگان و هم در جامعه برای عموم افراد خواهند داشت و اگر همسایگان تعهد عملی و التزام اخلاقی به این وظایف نداشته باشند، پیامدهای ناگوار و منفی‌ای در پی خواهد داشت.



کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه (۱۳۸۵)، ترجمه: فیض الاسلام، تهران: نشر زرین.
۳. صحیفه سجادیه (۱۳۷۹)، ترجمه: حسین انصاریان، تهران: پیام آزادی.
۴. ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۸۲)، ثواب الاعمال و عقاب العمال، قم: نشر نسیم کوثر.
۵. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۴ق.)، الشفا، (الهیات)، تحقیق: قنوتی و زاید، قم: انتشارات کتابخانه نجفی.
۶. ابوالفتح، محمد کراجکی (۱۳۶۴)، نزهه النواظر، ترجمه: معدن الجواهر، ترجمه فارسی: عباس قمی، تهران: نشر اسلامیه.
۷. ارسطو (۱۳۸۷)، سیاست، ترجمه: حمید عنایت، تهران: نشر امیرکبیر، چاپ پنجم.
۸. انصاریان، حسین (بی تا)، سیری در نماز، تهران: نشر انجمن خدمات اسلامی، مجمع دینی و تحقیقاتی و علمی.
۹. آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۷۷)، غررالحکم و دررالکلم، تحقیق: مصطفی درایتی و حسین درایتی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۰. آیزنک، مایکل (۱۳۷۵)، روان‌شناسی شادی؛ ترجمه: مهرداد فیروزبخت و خشایار بیگی، تهران: انتشارات بدر.
۱۱. بحرانی، شیخ حسین (۱۳۸۴)، تحف العقول، ترجمه: علی اکبر غفاری، تهران: انتشارات اسلامیه.
۱۲. برزگر کلیمشی، ولی‌ا.. (۱۳۷۲) اسلام و اجتماع علی بن ابیطالب (ع)، تهران: نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۳. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۵)، نهج‌الفصاحه، تهران: انتشارات بدرقه جاویدان.
۱۴. پیاز، ژان و دیگران (۱۳۷۱)، روان‌شناسی و دانش آموزش و پرورش، ترجمه: علی محمد کاردان، تهران: دانشگاه تهران، چاپ سوم.
۱۵. جواد آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، تفسیر تسنیم، قم: نشر موسسه اسراء.
۱۶. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۳۷۱)، قرب الاسناد، تهران: نشر موسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث.
۱۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۴)، لغت‌نامه، تهران: نشر مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
۱۸. دیلمی، محمدحسین (۱۳۸۳)، ارشاد القلوب، ترجمه: سید عباس طباطبایی، قم: انتشارات اسلامی.
۱۹. ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۵)، «جوانان، سرمایه اجتماعی و رفتارهای داوطلبانه»، رفاه اجتماعی، ش ۲۳.

۲۰. راجر، جان و ویلیامز، پیتر مک (۱۳۸۹)، تفکر منفی، ترجمه: مهدی قراچه داغی، تهران: نشر شباهنگ.
۲۱. ساروخانی، باقر (۱۳۷۱)، جامعه‌شناسی ارتباطات، تهران: انتشارات اطلاعات.
۲۲. ستوده، هدایت الله (۱۳۷۵)، درآمدی بر روان‌شناسی اجتماعی، تهران: نشر آوای نور.
۲۳. سلیمی، علی و دیگران (۱۳۸۸)، همشینی و کج‌روی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۴. شاپوریان، رضا (۱۳۵۷)، «بهترین کسی که از کودکی من نگهداری کند کیست»، تهران: مجله مکتب امام، ش ۱۱۱.
۲۵. شبر، سید عبدالله (۱۴۱۲ق.)، تفسیر القرآن الکریم، قم: نشر دارالهجره، چاپ دوم.
۲۶. شیخ حر عاملی، محمدبن حسن (۱۳۸۷)، آداب معاشرت از دیدگاه معصومین، تهران: بنیاد پژوهش‌های علمی.
۲۷. _____ (۱۴۰۹ق.)، وسایل‌الشیعه، قم: موسسه آل‌البیت (ع).
۲۸. شیخ مفید، محمدبن نعمان (۱۳۶۴)، امالی، ترجمه: حسین استاد ولی، تهران: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۲۹. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۷)، تفسیر المیزان، قم: نشر جامعه مدرسین.
۳۰. _____ (۱۳۸۷ق.)، اصول فلسفه و روش رئالیسم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۱. _____ (۱۳۸۷ب.)، روابط اجتماعی در اسلام، به کوشش: سیدهادی خسروشاهی، قم: بوستان کتاب.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۸)، مجمع‌البیان، تصحیح: ابوالقاسم گرجی، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۳۳. طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۶۰)، اخلاق ناصری، تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ دوم.
۳۴. عاملی، زین‌الدین علی‌بن احمد (۱۳۸۶)، مسکن الفؤاد فی فقد الاحیه والاوالاد، قم: نشر المکتبه الحیدریه.
۳۵. غزالی طوسی، محمد (۱۳۷۴)، کیمیای سعادت، به کوشش: حسین خدیو جم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۶. فارابی، ابونصر (۱۳۷۶)، السیاسة المدنیة، ترجمه و شرح: حسن ملکشاهی، تهران: انتشارات سروش.
۳۷. فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، مصرف و سبک زندگی، قم: صبح صادق.
۳۸. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه: غلامعباس توسلی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.

۳۹. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۷۲)، *المحجّه البیضاء فی تهذیب الاحیاء*، ترجمه: محمدصادق عارف، مشهد: نشر بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۴۰. کاویانی، محمد (۱۳۸۷)، *سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴۱. کلاین برگ، اتو (۱۳۸۳)، *روانشناسی اجتماعی*، ترجمه: علی محمد کاردان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵)، کافی، تهران: انتشارات اسوه، چاپ سوم.
۴۳. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، *تجدد و تشخیص*، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
۴۴. _____ (۱۳۸۹)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
۴۵. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۱)، *بحارالانوار*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۶. _____ (۱۳۸۸)، *بحارالانوار*، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
۴۷. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، *جامعه و تاریخ (مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی)*، تهران: نشر صدرا.
۴۹. _____ (۱۳۷۵)، *حکمت‌ها و اندرزها*، تهران: نشر صدرا.
۵۰. _____ (۱۳۸۴)، *جامعه و تاریخ*، تهران: انتشارات صدرا، چاپ هفدهم.
۵۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰)، *اخلاق در قرآن*، با همکاری جمعی از فضلا، قم: مدرسه امام علی (ع).
۵۲. مهدوی کنی، محمد سعید (۱۳۸۷)، *دین و سبک زندگی*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۵۳. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، قم: مستدرک الوسائل، موسسه آل البیت لاحیاء التراث.